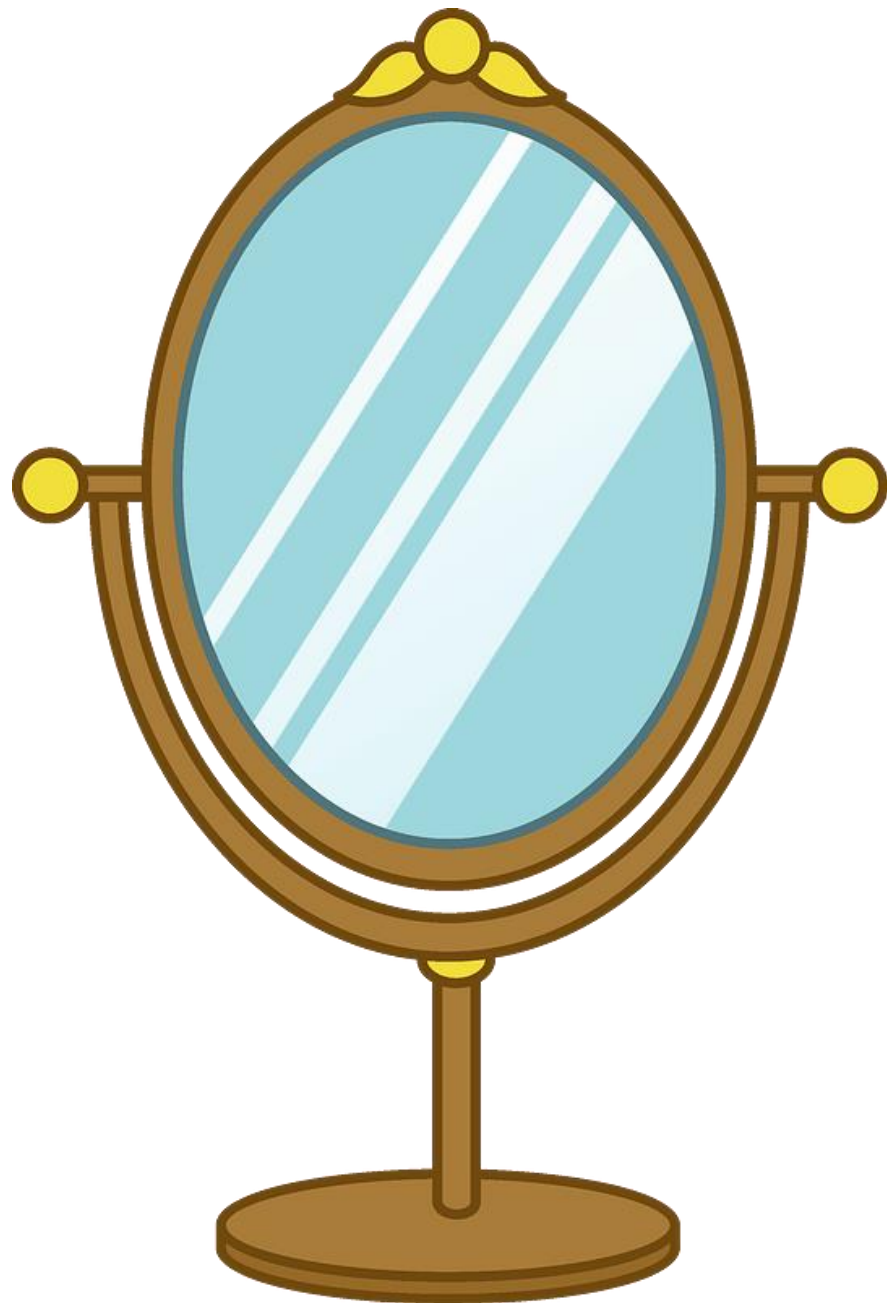


درس هجدهم
آینه ی سخنگو

هدیه های آسمانی
پایه سوم دبستان





رضا جلوی آینه ایستاده بود و خود را در آن می دید که ناگهان...

ترسید و کمی عقب رفت!

آیا خوب می دید و درست می شنید؟!

چشمان خود را چند بار باز و بسته کرد.

اما اشتباه نکرده بود!

آینه دهان باز کرده بود و می خندید.

رضا که ترسیده بود، گفت: «تو ... تو ...!»

- نترس! من آینه هستم. تصویر هر کس را به خودش نشان می دهم، تا

خود را مرتب و منظم کند.

- اما ... اما آینه ها که حرف نمی زنند و نمی خندند! آیا من خواب می بینم؟!

- خنده ی من از قیافه ی توست!

- منظورت را نمی فهمم!

- به خودت نگاه کن. متوجه می شوی!

نمی خواهی صورتت را بشویی؟ چرا موهایت

پریشان است؟!

پیراهنت چقدر نامرتب است؟ چرا یکی از

دکمه های آن باز است؟....

رضا با تعجب حرف‌های آینه را شنید و با خود گفت: «یعنی من این قدر نامرتب هستم؟!»

صورتش را شست. پیراهن خود را عوض کرد و دکمه‌هایش را مرتب بست. در برابر آینه ایستاد و موهایش را شانه کرد.

دوباره صدای خنده‌ی آینه را شنید!

- خودم را که مرتب کردم! دیگر چرا می‌خندی؟! -

- خودت زیبا شدی، ولی اتاق را ببین!

چرا وسایلت روی زمین پخش شده است؟ چرا کتاب‌هایت روی زمین افتاده‌اند؟

این کاغذها روی کیفیت چیست؟...

رضا سرش را پایین انداخته بود و خجالت می‌کشید. ظهر امروز این بی‌نظمی‌ها را ایجاد کرده بود و قبل از مرتب کردن اتاق به خواب رفته بود.

خیلی زود کتاب‌ها را در قفسه چید.



وسایل مدرسه را در کیفش مرتب کرد و آن را در گوشه‌ی اتاق قرار داد.
کاغذها و آشغال تراش‌ها را جمع کرد.
لباس‌های مدرسه‌اش را از روی صندلی برداشت و به جالباسی آویزان کرد.
سپس اتاق را تمیز و مرتب کرد.

دوست نداشت دوباره صدای خنده‌ی آینه بلند شود.
نگاهی به اطراف کرد. اتاق تقریباً منظم شده بود.
جلوی آینه آمد.

- حالا نظرت چیست آینه جان؟!

آینه نگاهی به اطراف انداخت و گفت: «آفرین! حالا شدی یک پسر تمیز
و منظم!»

رضا، رضا جان، پسرم،...

رضا با صدای پدر از خواب بیدار شد.

به اطرافش نگاه کرد.

اتاق نامرتب بود و به هم ریخته!

همه چیز را در خواب دیده بود!

بلند شد و به سوی آینه رفت. ظاهرش نیز مانند قبل بود.

به یاد خنده‌های آینه افتاد و خنده‌اش گرفت.

شانه را برداشت و تصمیم گرفت....



هر کاری را به موقع انجام دهیم تا.....

در زندگی نظم داشته باشیم.



اگر هر چیز در جای خودش قرار می گرفت

همه جا مرتب و تمیز می شد.





امام علی علیه السلام می فرماید:

«اوصیکم... بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ».

«به شما (فرزندانه) سفارش می کنم مراقب رفتارتان باشید و نظم را در کارهایتان رعایت کنید».

نهج البلاغه، نامه ی ۴۷

قوانین بازی را رعایت کنیم.

به نظر شما در هر کدام از این کارها چگونه می توانیم منظم باشیم؟

لباس ها را در جای مخصوص خود قرار دهیم.



آداب غذا خوردن مانند شستن دست ها، صحبت نکردن، تمیز و مرتب غذا خوردن را رعایت کنیم



ما می‌خواهیم مدرسه‌ای مرتب و منظم داشته باشیم.
برای این کار:

- ۱- قوانین مدرسه را رعایت کنیم.
- ۲- روی زمین اشغال نریزیم.
- ۳- میز و نیمکت‌ها را خراب نکنیم.
- ۴- روی میزها چیزی ننویسیم.



در این تصویر چه بی‌نظمی‌هایی می‌بینید؟
این بی‌نظمی‌ها چه نتیجه‌هایی به دنبال دارد؟
نظم شهر به هم می‌ریزد. و ممکن است اتفاقات بدی در پی داشته باشد.



* ماشین روی خط عابر پیاده ایستاده است.

* عابر پیاده، بدون توجه به چراغ قرمز و خط عابر پیاده از وسط چهارراه عبور می‌کند.

* شخصی، زباله‌ای را از پنجره‌ی ماشین به سطح خیابان می‌اندازد.

* موتورسوار از پیاده‌رو عبور می‌کند.

* دو نفر روی چمن‌ها راه می‌روند.

تکرار و پیدا کن

این کارها را به ترتیب زمان مناسب انجام دادن آن‌ها شماره‌گذاری کن.
چه کارهایی تکرار می‌شود؟ در چه زمان‌هایی؟

- | | | |
|-----------------|-----------------------------|---------------------------|
| ۷ مطالعه‌ی کتاب | ۲ خواندن نماز
صبح ظهر شب | ۱ مسواک زدن
صبح ظهر شب |
| ۶ بازی | ۴ غذا خوردن
ظهر شب | ۵ انجام تکالیف |
| | ۳ رفتن به مدرسه | |

با خانواده

در طول هفته، چه کارهایی انجام داده‌ای که نشانه‌ی نظم و ترتیب تو بوده است؟

روزها	کارها
شنبه	جمع کردن وسایل اتاق
یکشنبه	
دوشنبه	
سه شنبه	
چهارشنبه	
پنج‌شنبه	
جمعه	



نمونه سوال

۱- نظم یعنی چه؟

جواب: هر چیزی را سرجایش قرار دهیم.

۲- چرا باید در کارهایمان نظم داشته باشیم؟

جواب: چون اگر در کارهایمان نظم داشته باشیم کارهایمان را به موقع و به خوبی انجام می دهیم.

۳- امام علی (ع) دربارهی رعایت کردن نظم چه میفرمایند؟

جواب: سفارش میکنم مراقب رفتارتان باشید و نظم را در کارهایتان رعایت کنید.

۴- چگونه میتوانیم مدرسههای مرتب و منظم داشته باشیم؟

جواب: روی زمین آشغال نریزیم، به نیمکت ها و میزها آسیب نرسانیم. در کلاس را محکم نکوبیم. روی دیوارها و نیمکت

ها چیزی ننویسیم.

۵- نمونه هایی از نظم در کارهای روزانه خودت را بیان کن.

جواب: کتابهایم را به طور منظم در کتابخانه قرار میدهم. به موقع غذا میخورم. به موقع تلویزیون تماشا می کنم و می خوابم.